

# تقارن

## نیاز اقتصاد ایران

### وقتی نادیده گرفتن بخش خصوصی شکست پروژه‌های کلان در کشور است

## اینترنت اشیا در انحصار دولت

صفحه ۶

### تشریح سیاست‌های بانک مرکزی در حمایت از تولید

## وضعیت ذخایر ارزی مطلوب است

### تامین مالی سرعت می‌گیرد

صفحه ۲

### یک تولید کننده:

## دلایان برخی شرکت‌های وارد کننده در بازار برنج التهاب ایجاد می‌کنند

## انتقاد از اختصاص ارز ترجیحی برای واردات برنج

اصلاحیه مصوبه هیات وزیران مبنی بر اختصاص یافتن ارز ترجیحی به برنج جهت واردات سبب گلابه کشاورزان شده است. چندی پیش هفته بانک مرکزی اعلام کرد به برنج و روغن ارز ترجیحی تعلق می‌گیرد. هم‌زمان گمرک هند اعلام کرد که ایران در ۲ ماه گذشته ۱۳۳ میلیون دلار برنج از این کشور وارد کرده است. از سوی دیگر امسال به لحاظ بارش یکی از بهترین سال‌ها بوده و بنا بر اعلام وزارت جهاد کشاورزی ۲۰۰ هزار تن تولید

یادداشت - ۱

### ناکجا آباد سیاست‌های ارزی اشتباه بانک مرکزی

بانک مرکزی در سال گذشته تلاش کرد با کنترل ترانزنامه بانک‌ها جلوی رشد نقدینگی را بگیرد. در این مسیر عملیات و استواری رشد نقدینگی آمارهای رشد نقدینگی را از حدود ۲۸ درصد به ۲۵ درصد کاهش دهد. تا



وحید شقاقی شهری

اینجا شاخص کنترل رشد نقدینگی ظاهر ادرا جهت هدفی بوده که بانک مرکزی به دنبال تحقق آن بوده است. البته بهبود بی‌پیماسی اقتصادی هم در سال قبل به کمک دولت آمد. در ضمن افزایش صادرات نفت به خاطر امتیازاتی که طرف‌فام‌ریکایی داده بود، باز به دولت کمک کرد. از اواسط بهمن ۱۴۰۲ اما شرایط متفاوت شد. ابتدا نرخ دلار که حدود ۸ ماهه بود، حول و حوش ۵۰ هزار تومان ثابت پیدا کرد. بودا از اواسط بهمن شروع به افزایش کرد. در واقع یک شوک ارزی اتفاق افتاد که ۲۰ درصد ارزش پول ملی را کاهش داد. دلیل این شوک هم ناشی از خطا و اشتباه سیاست‌های ارزی بانک مرکزی بود که باعث شد هم کسری تجاری غیر نفتی کشور تشدید شود و هم خروج سرمایه از ایران شدت بگیرد. در این بازه زمانی، ایران حدود ۱۷ میلیارد دلار کسری تجاری غیر نفتی را تجربه کرد و بیش از ۱۵ میلیارد دلار هم خروج سرمایه رخ داد. محصل تشدید کسری تجاری غیر نفتی و خروج سرمایه، نرخ دلار را از ۵۰ هزار تومان به حدود ۶۰ هزار تومان رساند. در همین حوال و حوش بحث ناطمینانی‌های رای آمده از تنش‌های بین ایران و اسرائیل هم شکل گرفت و قیمت دلار را حتی به محدوده ۷۲ هزار تومان هم رسانید. این انتظارات تورمی اما در ادامه فروکش کرد به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود در ماه‌های پیش رو نرخ دلار در محدوده ۶۰ هزار تومان (با احتمال اندکی افزایش یا کاهش) تثبیت شود. اما از یادمان نرود، اثرات کاهش ۲۰ درصدی پول ملی به تدریج در اقتصاد ایران نمایان می‌شود. احتمالاً تا اواخر خرداد ۱۴۰۳ این اثرات تورمی ۲۰ درصد افزایش نرخ دلار خود را در قیمت دارایی‌ها، کالاها و خدمات نشان می‌دهد. در ضمن سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای که بانک مرکزی شروع کرده، رکود سنگینی را در اقتصاد به وجود آورده که اثرات آن در بازار سرمایه به عینه مشاهده می‌شود. در واقع دلیل اینکه شاخص بازار سرمایه بیش از ۱۵٪ زور است فرمز شده همین عوامل است. از سوی دیگر، ارزش بازاری بازار سرمایه ایران هم به شدت کاهش پیدا کرده و به حدود ۱۴۰ میلیارد دلار رسیده است. این عدد (ارزش بازار سرمایه ایران) از جمله پایین‌ترین آمارهای جهان است که در تاریخ بازار سرمایه و کلیت اقتصاد ایران ثبت شده است. موضوع مهم بعدی، تملل دولت در سیاست‌گذاری‌های درست برای مهار ناترازی‌های اقتصاد ایران است که اثرات آن در بخش‌های مختلف اقتصاد در حال نمایان شدن است. وقتی برخی از این گزارش‌های شرکت‌های فعال بازار سرمایه را مطالعه می‌کنیم، می‌بینم اغلب شرکت‌ها از کمبود ارز، قطعی بودن نرخ ارز و کاهش سود و قطع شدن گاز در زمستان می‌نالند. این عوامل حاشیه‌سود همه شرکت‌های تولیدی ایران را کاهش داده است. آخرین آمار هانشان می‌دهد حاشیه‌سود شرکت‌های بازار سرمایه ۳۴٪ در صد سال ۴۰۱ به کمتر از ۱۳ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است. وقتی این روزها به واسطه سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی، تشدید ناترازی‌های اقتصاد کلان و البته سیاست‌های اشتباه‌سازی، شرایط بسیار درناکی را در حوزه تولید تجربه می‌کنیم. هم به واسطه سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی، هم واسطه تشدید ناترازی‌های اقتصاد کلان و تشدید سیاست‌های اشتباه‌سازی، شرکت‌های تولیدی ایران در بازار سرمایه و در اقتصاد ایران در شرایط بدی، روزگارشان را سپری می‌کنند. هم از یک طرف سیاست‌های ارزی اشتباه‌بانک مرکزی ادامه دارد که می‌تواند منجر به تشدید کسری‌های تجاری و حشای سرمایه در سال ۱۴۰۳ شود و هم از طرف دیگر، سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی و کسری‌های حساب سرمایه به نفع دولت. ضمن اینکه سایر ناترازی‌های مهم اقتصاد ایران مانند بنزین، برق، گاز و... که سیاست‌های روشنی برای تراز کردن آنها را به نشده مشکل‌ساز خواهند شد. این عوامل هم اثرات تورمی خواهند داشت. هم منجر به تعطیلی بنگاه‌ها شده و هم حاشیه سود بنگاه‌های تولیدی را کاهش می‌دهد. لذا برای سال ۱۴۰۳ هم از حیث تورم و هم از حیث رکود شرایط خوبی را پیش‌بینی نمی‌کنیم. مگر اینکه دولت هم در اصلاح سیاست‌های ارزی اقدامات معقولی را برنامهریزی کند. اخیراً مجلس هم به شدت نسبت به سیاست‌های ارزی بانک مرکزی واکنش نشان داد. اگر بانک مرکزی از سیاست‌های ارزی اشتباه دست بردارد و خود را اصلاح کند، همچنین دولت اقداماتی برای مهار ناترازی‌ها در پیش بگیرد، می‌توان امید داشت که کوفت‌خیزی را از بین نبرد. ولی هر گونه تملل و اصرار بر ادامه روند کنونی می‌تواند هم تورم ۴۰ درصدی را در اقتصاد ایران نهادینه کرده و هم شرایط بدتری را در اقتصاد ایران حاکم سازد و همه دلسوزان کشور باید نگران وقوع یک چنین شرایطی باشند.

### «تعادل» گزارش می‌دهد

## روی سرخ بورس برای سهامداران

تحقیق نشده و شرایط بدی را هر روز پشت سر می‌گذارد. شاخص کل بورس توان صعود ندارد، چرا که با مشکلات بسیار زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. هنوز تکلیف نرخ دلار نیامی و بازار آزاد مشخص نیست؛ تا چند روز پیش شاهد افزایش بسیار آهسته نرخ دلار نیامی بودیم و از سوی دیگر نرخ دلار بازار آزاد نیز روند کاهشی دارد. از سوی دیگر نرخ بهره و نرخ افزایش بسیار شدیدی دارد که این مشکلات باعث شده اعتماد و نقدینگی از بازار خارج شود. دولت سیزدهم وعده‌های زیادی در خصوص بورس داد که تا به امروز تقریباً هیچ یک از این وعده‌ها

یادداشت - ۳

### چشم‌بازار به چالش‌ها

پس از تقریباً دو هفته که بازار سرمایه نگاهش به مجلس بود و می‌توانستیم این موضوع را در کمای معاملاتی که در روز شنبه ابتدای هفته ببینیم به نظر می‌رسید بازار سهام با یک ریسک و چالش بزرگ مهمی روبه‌رو بود؛ آن هم در خصوص اصلاح بند «سی» تبصره ۶ بود و روز چهارشنبه پس از مدت‌ها تصویب شدن این اصلاح صورت گیرد، ریسک و چالش مهم بازار سرمایه حذف شود. در قانون بودجه سال جاری باید مشخص می‌شد که چه اتفاقی قرار است رخ دهد و آخرین نکاتی بود که دولت در خصوص این موضوع صحبت می‌کرد و قرار بود اتفاقاتی در خصوص سایر قوانین رخ دهد.



پیام‌الیاس کردی

نکته مهم‌تر اینجاست که جز مساله ذکر شده ابهامات زیادی در خصوص بازار وجود دارد. نکته بعدی بحث نرخ بهره است و ما چه در خصوص اوراق دولتی و چه اخرا رکودها و مسقف‌زنی‌های جدیدی را می‌بینیم. متأسفانه شرایط عجیب و غریبی است. مساله بعدی اختلاف دلار نیما و دلار بازار آزاد است که سیاستگذار نشان نمی‌دهد چه حرکتی می‌خواهد انجام دهد. یک‌بار دلار نیامی افزایش پیدا می‌کند و یک‌بار نیز این افزایش متوقف می‌شود و به نوبه وضعیت مشخص نیست. نکته بعدی دربار تغییرات تغییر پذیر است که به بازار سرمایه ما آسیب می‌زند و هیچ کسور می‌شاید به این سرعت تغییر قانون نمی‌دهد. متأسفانه ما به سرعت قوانین خود را تغییر می‌دهیم و مساله بسیار مهم است و راهکار این است که مدتی تصمیمات دیگری نگیرند و صوری کنند به نظر بنده بازار سرمایه نیاز دارد حداقل مدتی با قوانین با ثبات کار خود را پیش ببرد. مشکلات سرمایه‌های همانند نرخ بهره و اختلاف دلار نیامی سر جای خود است؛ اما حداقل از این جهت ابهامات بازار را تحت فشار می‌گذارد. بتواند نفس راحتی بکشد. نرخ بهره موضوع تاثیر گذاری در ریزش ۱۳۹۹ نیز بود که کمتر کسی به آن پرداخت؛ بنابراین مادامی که نرخ صعودی قرار گرفت و با ۲ برابر شدن قیمت دلار، پول‌های در بانک روانه بازار شده و رشدهای عجیبی به وجود آمد؛ اما در دست زمانی که نرخ بهره مجدداً صعودی شد و به حوالی ۱۹ درصد رسید، شاهد خروج پول قدرتمند از بورس بودیم که نتیجه آن فشار فروش سنگین در تمامی بازار بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که قیمت دلار از اواسط سال ۱۴۰۱ تا ۱۳۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ در کانال صعودی قرار گرفت و با ۲ برابر شدن قیمت دلار، پول‌های قدرتمندی وارد بازار شده و طبیعتاً به دنبال رشد دلار، پول‌هایی، شاخص‌های بورسی نیز رشد می‌کنند؛ اما نکته جالب ماجرا اینجاست که با توقف رشد دلار، آن پول‌ها نیز تریق پول به بازار نداشتند و خروج زدند. البته که عدم تقارن اطلاعاتی و موضوع نرخ خوراک نیز عامل تاثیر گذاری در این ریزش بود.

یادداشت - ۲

### پیش‌نیازهای ثابت ارزی

بخشی از افزایش نرخ ارز ناشی از بحث‌های سیاسی است و این مسائل هم محرک بازار هستند، اما نرخ ارز هم باید متناسب با سایر بازارها تعدیل شود. در شرایط افزایش قیمت‌ها در سایر بازارها نمی‌توان نرخ اسمی ارز را ثابت نگه داشت اگر نرخ اسمی ارز تثبیت شود صادرات هم از توجه خارج می‌شود، چرا که بهای داخلی افزایش پیدا کرده و صادرکنندگان توان رقابت در بازارهای جهانی را نخواهند داشت. در چنین شرایطی واردات هم توجیه بیشتری پیدا می‌کند و به نوعی به کشورهای دیگری که تامین‌کننده کالاها ما هستند هم بارانه خواهیم داد.



عباس آرون گور

باید نرخ حقیقی ارز تثبیت و نرخ اسمی متناسب با شرایط تورمی تثبیت شود. هر قدر نرخ اسمی ارز را تثبیت کنیم انرژی نهفته می‌شود و در شرایط خاص اقتصادی یا سیاسی جهش نرخ اتفاق می‌افتد. بنابراین از واقعی متفاوت از انتظارات تورمی است. در اصل انتظارات تورمی بر نرخ ارز تأثیر دارد و نرخ ارز آزاد هم بر قیمت سایر کالاها و زندگی مردم تأثیر دارد. بنابراین باید انتظارات تورمی مدیریت شود تا نرخ واقعی ارز تثبیت شود. بخشی از افزایش نرخ ارز ناشی از انتظارات تورمی است و وقتی انتظارات تورمی نسبت به شش ماه تا یک سال آینده بالا باشد، تقاضا در بازار ارز هم افزایش می‌یابد، چرا که افراد به دنبال حفظ ارز پول و قدرت خرید خود هستند. البته برخی افراد سودجو هم در این شرایط حضور دارند اما خیلی از افراد به دنبال سودجویی نیستند، چرا که به دلیل شرایط تورمی بالا شاهد کاهش قدرت خرید مردم هستیم، بنابراین تقویت پول ملی و کاهش انتظارات تورمی موضوع مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین تصمیمات دولت سیزدهم، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و به تبع آن رات حاصل از این ارز بود اما اگر بنا باشد ما بر این موضوع اصرار کنیم که نرخ ارز نیما ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان باشد، باز هم خطر شکل‌گیری رانت و تقاضای کاذب برای واردات به وجود می‌آید که به ضرر اقتصاد کشور خواهد بود. اینکه بانک مرکزی تلاش کند در کوتاه‌مدت بازار را مدیریت کند، یک بحث است و اینکه در بلندمدت و نگاه کلان چه میزان از این شرایط اساساً، سوی این بانک قابل مدیریت است یک بحث دیگر، ما در گام نخست باید ارتباط ما با جهان را از طریق کنار زدن تحریم‌های بخشیم، از سوی دیگر شرایط اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی را به شکلی آرام کنیم که نگاه مثبت به آینده وجود داشته باشد و چه مردم و چه فعالان اقتصادی امکان پیش‌بینی آینده را پیدا کنند و در نهایت باید مقدمات پیشرفت اقتصادی و جذب سرمایه جدید فراهم شود و رشد اقتصادی ما تداوم پیدا کند، با در کنار هم قرار گرفتن این عوامل می‌توان انتظار داشت که شرایط بازار ارز به سمت آرامش حرکت کند.

### بارای موافق ۱۳۶ نماینده مجلس تصویب شد

## تعطیلی شنبه‌ها

### روزنه امید برای تغییرات اقتصادی و اجتماعی



فرشاد مومنی: بهبود اقتصاد بدون مشارکت مردم ممکن نیست

## هشدار درباره روابط اقتصادی با چین

### همه وابستگی‌ها با سقوط پهلوی رفع شد

مومنی با تاکید بر اینکه ما نیاز داریم مطالعه شرافتمندانه و با حریت راجع به انبوه شکنندگی‌های که وابستگی‌های ذاتاً اور به دنیای خارج به ایران تحمیل کرده انجام دهیم، گفت: شاید در درون ساختار قدرت تمایلی برای آن وجود نداشته باشد، اما کشور برای اینکه روی پای خود بایستد به چنین دانی‌هایی نیاز دارد. نمی‌شود گفت هر چه وابستگی‌های یک سویه بوده با سقوط رژیم پهلوی رفع شده این صورت‌بندی احساسی است که اعتبار علمی ندارد و تاکید کرد: یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین دلایل عقیم آن به سوءمدیریت مابری می‌گردد، کل ماجرای ناپاسمانی‌ها ریشه در تحریم‌ها در این استاد دانشگاه با بیان اینکه اینگونه سخن گفتن و اداره کشور، ۸۰ میلیون نفر را تنبیه می‌کند اما در مقابل به کسانی دیگر خیرهای بزرگ می‌رساند. اضافه کرد: در وجه اقتصاد سیاسی قابل درک است، اما از جهت معرفی این طرز حرف زدن، منعکس کننده سطح ادراک آنها از مسائل اداره نظام ملی هم در نظر گرفته می‌شود. بنابراین ما بسیار نیاز داریم در این زمینه کارهای جدی بکنیم. در دانش توسعه گفته می‌شود وابستگی کشورهای یکدیگر، با یکدیگر هم‌تراز نیست. هر قدر ضریب اهمیت کالاهای مورد نیاز یک کشور از کالاهای که خود به اقتصاد جهانی عرضه می‌کند، بالاتر باشد، از درون این مناسبات رابطه یک سویه میان طرف قوی‌تر و ضعیف‌تر حاصل می‌شود که اسم آن را وابستگی می‌گذارند.

سخن می‌گفت، اظهار کرد: در دوره احمدی‌نژاد وقتی تحریم‌ها شروع شد، شادمانی می‌کردند که تحریم برای ما نعمت است و عزم ما را به بهبود اوضاع جزم می‌کند، در کمتر از سه ماه، وقتی با اعتراض هم‌بندی‌های خود نسبت به ناپاسمانی‌ها رو برو شدند، در میان هم‌بندی‌های مصنف‌تر احمدی‌نژاد عده‌ای گفتند بی صلاحیتی‌ها و بی کفایتی‌های اداره اقتصاد ملی هم در این زمینه نقش دارد، اما همین فرد که چند ماه قبل خوشحالی می‌کرد، پر خاشگرانه به آنها اعتراض کرد که چرا می‌گویید بخشی از آن به سوءمدیریت مابری می‌گردد، کل ماجرای ناپاسمانی‌ها ریشه در تحریم‌ها در این استاد دانشگاه با بیان اینکه اینگونه سخن گفتن و اداره کشور، ۸۰ میلیون نفر را تنبیه می‌کند اما در مقابل به کسانی دیگر خیرهای بزرگ می‌رساند. اضافه کرد: در وجه اقتصاد سیاسی قابل درک است، اما از جهت معرفی این طرز حرف زدن، منعکس کننده سطح ادراک آنها از مسائل اداره نظام ملی هم در نظر گرفته می‌شود. بنابراین ما بسیار نیاز داریم در این زمینه کارهای جدی بکنیم. در دانش توسعه گفته می‌شود وابستگی کشورهای یکدیگر، با یکدیگر هم‌تراز نیست. هر قدر ضریب اهمیت کالاهای مورد نیاز یک کشور از کالاهای که خود به اقتصاد جهانی عرضه می‌کند، بالاتر باشد، از درون این مناسبات رابطه یک سویه میان طرف قوی‌تر و ضعیف‌تر حاصل می‌شود که اسم آن را وابستگی می‌گذارند.

فرشاد مومنی استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی برای مناظره با وزیر امور خارجه درباره ارتباط با چین و روسیه اعلام آمادگی کرد. او در این باره گفت: شامی گوید قرارداد خرید از چین، ابعاد امنیتی دارد؛ اما اگر بخواهند صدقانه کشور نجات پیدا کند، باید یک گزارش شرافتمندانه ملی به ما بدهند که چینی‌ها نفت را چگونه از ما می‌خرند؟ به چه قیمتی می‌خرند و چگونه پول آن را می‌دهند؟ مومنی همچنین اعلام کرد، حاضریم با وزیر صنعت در این باره مناظره کنیم که الگوی روابطی که در صنعت خودروسازی میان ما و چین تعریف کردید، نسبتی با یک حکومت مستقل ندارد. به گفته او، هر کس که بگوید بنابه ملاحظات امنیتی طرف‌های خارج می‌تواند دست‌نماید و با آنها وارد ویدل اطلاعات کرد، اما مردم ایران که ولی نعمت و صاحب حق هستند نام و نام‌محرم هستند، اظهارات در دست و خوشایندی نیست!

مواضع دوگانه دولت احمدی‌نژاد

به گزارش جماران، فرشاد مومنی رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد که در یازدهمین همایش سالانه «مرزهای دانش اقتصاد توسعه» که به مناسبت بیست و یکمین سالگرد درگذشت دکتر حسین عظیمی با عنوان «اقتصاد سیاسی تعامل با دنیای خارج در شرایط تحریم و ناپاسمانی‌ها و آثار آن بر سرنوشت توسعه ملی»،

یادداشت - ۴

### کاهش نرخ بهره عامل تحریک تقاضا در بورس است

تصور می‌شود که همه احتمالات ممکن ارایه شود. فصل مجامع نزدیک است و ۲۵٪ بسیاری از سهم‌های بنیادین پایین آمده است و از حالا تا حدود ۱۴ ماه دیگر، سرمایه‌گذاران، ۲ مجمع سالانه را تجربه و در دو مقطع سود دریافت می‌کنند. بنابراین بعد از مجمع تیرماه سال با فرض تقسیم سود، حدود ۱۵٪ و ۱۵٪ سهام کم می‌شود که به جذابیت شدن قیمت‌ها کمک می‌کند. در خصوص اقدامات دولت و مجلس و حواشی پیرامون صنایع هم باید منتظر تشکیل بود، اما باید توجه داشت که اگر این مصوبات در نهایت به نفع بازار سرمایه تغییر کند، چه ریسک بزرگی از بازار سرمایه برداشته شده و بازار گشت تقاضا چه فضای برای کسب رشد بیشتر محقق می‌شود. در خصوص بازارهای موازی هم رکود مسکن اینقدر زیاد شده که معاملاتش به کف ۱۵ ساله رسیده و رکود مطلق در مسکن مشهود است. فعلاً قدرت خریدی برای مسکن وجود ندارد. بازار دلار و سکه هم فعلاً تحت تاثیر جنگ ایران و اسرائیل قرار گرفته و تلاش می‌کنند روند اصلاحی خود را آغاز کنند. اگر چه که با این وضعیت نقدینگی احتمالاً دلار دوباره در محدوده‌های بین ۵۵-۵۸ هزار تومان قرار می‌گیرد. در این میان، شرایط بورس اگر چه بسیار ناامیدکننده است، اما نباید تجربه سال‌های قبل را از یاد برد. روند زندگی مطلق بازار را فدای جو کوتاه‌مدت فعلی کرد. در ادامه تلاش می‌کنیم، وضعیت بنیادین تعدادی از نمادهای بزرگ بازار را به همراه تحلیلگران بررسی کرده به طوری که مخاطبان بتوانند تصویری از چشم‌اندازهای احتمالی پیش‌رو را ببینند.

رفع خطر جنگ در فضای منطقه‌ای و... را نادیده گرفته و در نبود تقاضا، سهم‌ها به راحتی به سمت نزول و قرار گرفتن در قلمرو منفی‌ها حرکت می‌کنند. در کوتاه‌مدت این روند ممکن است با کمی نوسان همچنان ادامه داشته باشد و همان طور که بارها تاکید شده نگاه کردن به تابلوی بازار در این شرایط هم دردی از هزار تنی مشکلات دولتی نمی‌کند. عامل دیگر هم نرخ بهره بالاست که باعث شد دولت نتواند، اوراق اعلام شده ۲۸-۲۹ درصدی‌اش را هم بفروشد، در چنین شرایطی دولت ناچار است با نرخ بهره را بالاتر ببرد تا کاهش دهد تا همین اوراق ۲۸ درصدی برای مخاطب واحد جذابیت شناخته شده و اقبال سرمایه‌گذاران به خرید آن بیشتر شود. به نظر من، راه‌حل منطقی برای فروش این اوراق فقط و فقط کم کردن نرخ بهره و سود بانکی است. نه افزایش آن؛ چرا که معتمد نرخ‌تأمین مالی بالاتر، بنگاه‌های تولیدی را به سمت ورشکستگی سوق می‌دهد. کاهش نرخ بهره عامل تحریک کننده تقاضا برای بورس است، یعنی هم باعث کاهش نرخ اعتبارات کارگزاران هم باعث کاهش جذابیت سود بانکی می‌شود. ضمن اینکه سایر بازارهای سفته‌بازی نظیر دلار و طلا هم تحریمی‌کنند؛ منتظر تکنیکالی کف مطلق در شرایط ویرانی کامل اقتصاد محدوده ۱۸۰۰۰۰ واحدی است که حدود ۱۱۰٪ یا ۱۵ درصد با عدد فعلی شاخص فاصله دارد. اشاره شد که این روند، بدبینانه‌ترین کف بازار است. قبل از آن عدد روزی ۲ میلیون واحدی و حمایت‌های دیگری هم وجود دارد؛ اما تلاش می‌کنم بدبینانه‌ترین حالت سناریو بازار را تصویرسازی کنم تا نهایتاً

پس از دوره‌ای مستمر از نزول شاخص و فریز پوزیشن شدن بازار، بسیاری از سرمایه‌گذاران می‌خواهند بدانند این نزول برآمده از چیست؟ هر چند شرایط بازار ناامیدکننده به نظر می‌رسد و اغلب سرمایه‌گذاران تحت فشار قرار دارند و بسیاری از فعالان اقتصادی و کسبه به دلت‌بدهی و قسط و چک ناچار به فروش سهام و سایر دارایی‌های مالی‌شان برای شناسایی زیان هستند، اما هر اندازه بیشتر به پیش می‌رویم بیشتر این نتیجه نمایان می‌شود که بازار هم از منظر بنیادین هم تجربی شرایط باور نکردنی دارد. به نظر می‌رسد، یک انفجار دسته‌جمعی در بازار رخ داده و همه طرف‌ها نظاره‌گر هستند. به نظر من این منفی شدن‌ها و این فشارهای فزاینده برای فروش، حجم‌وارزش بالای نذرند فقط به علت نبود تقاضا و پول است که سهم‌ها به دامنه منفی کشیده می‌شوند. به عبارت روشن‌تر، اگر تقاضا به علت تقویت شود شاهد عکس‌العمل مثبت بازار به سمت خرید خواهیم بود و شرایط ۱۸۰ درصد تغییر خواهد کرد، اما پرسشی که با این توضیحات ممکن است به ذهن‌ها خطور کند، آن است که آیا عامل یا عواملی باعث رشد تقاضا در بازارهای شونند؟ عمده دلیل منفی شدن بازار اقدامات دولت و مجلس در برخورد با صنایع کشور است. بازار فعلی خوشی به این اقدامات نداشتند و قیدهایی چون تاثیر افزایش دلار و نزدیک بودن زمان برگزاری مجامع و حتی اخبار مربوط به مذاکرات



محسن عباسی